

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

کامران کارگر

انتخاب و ارسال از: کبیر توخی

۲۳ دسمبر ۲۰۱۲

## سخنی با حزب م ل م و کمونیستهای انقلابی

هم اکنون بیش از یک ماه و نیم است که برخی جریاناتی که در کارزار ایران تریبونال شرکت کرده اند، دل خویش به سراب تغیر حکم "موقتی" دیوان لاهه همچنان خوش کرده اند. برخی از پیام اخوان با تمنا و ریش سفیدی و چاکرم و نوکرم که آبروی رفته مان را باز گردان، تقاضای تغیر حکم "موقتی" را می کنند. از آنها تمنا و از اخوان ها جواب سر بالا و تشنیدن و این که "تغیر نمی دهیم و اصلاح هم نمی کنیم"، همینه که هست. چشمتان کور می خواستید نگذارید من پروفیسور بوژا مسلک از اول سوارتان شوم! از پروفیسور اخوان تأکید بر این که راهکار من چیزی به غیر از "پرهیز از خشونت" نبوده و نیست و حکم دیوان لاهه مان بر چنان سیاست قرار دارد! شما که با سیاست "پرهیز از خشونت" من و همکارانم آقای موریس کاپیتورن و جان کوپر ابتداء آشنا بودید. چرا توقع بیجا دارید که زیر اعتقادات سیاسی مان بزنیم و مهر ابطال به حکم "موقتی" بدهیم.

اما برخی جریانات شرکت کننده در تریبونال متوهمانه فکر می کنند با مذاکرات پنهانی، و فشار از پائین توسط شهادت دهندگان در مرحله اول و دوم ایران تریبونال، می توانند که حکم دیوان لاهه را تغیر دهند. غافل از آن که اکثریت شهادت دهندگان این کارزار خود از دیدگاه "پرهیز از خشونت" سالهاست جانبداری می کنند و با مراکز متشکل از "چپ" های سابق زندانی حکومت جمهوری اسلامی که سالهاست جانبداری می کنند و با مراکز حقوق بشر و مدافع پرهیز از خشونت کنونی دانشگاه های اروپا و امریکا تبدیل گشته اند و برخی از آنها تزه های دکترای فارغ التحصیلی شان را در خصوص "قتل های زندانیان سیاسی دهه ۶۰ توسط جمهوری اسلامی و کشتار ۶۷" در انطباق با سیاست "پرهیز از خشونت" نظام سرمایه داری جهانی نوشته اند، مرتبط هستند. چنان مراکز از "چپ" های سابق ( کاظم علمداری استاد جامعه شناسی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، شکوفه سخی ۱ و الهه امانی) به سیاست پرهیز از خشونت در انطباق با منشور جهانی حقوق بشر امپریالیسم اعتقاد راسخ دارند. همین ها هستند که امروز در میان عده کثیری از شهادت دهندگان کارزار ایران تریبونال از مقبولت سیاسی برخوردارند.

تعداد قلیلی از اکادمین ها که حامل فکری مارکسیست انقلابی در جنبش کمونیستی می باشند، کار فکری و آموزش های آکادمیک شان را آگاهانه در خدمت به طبقه تهیدست و فقیر جامعه و رهائی بشریت قرار می دهند. این دسته اساساً به طور مستقل و جدای از تمامی سازمان ها و احزاب سیاسی ایران به تحقیقات و فعالیت انقلابی مفید می پردازند.

جنبش منتسب به چپ و کمونیستی ایران در جا انداختن نظرات تعداد کثیری از استادان و پروفیسورهای بورژوازی و لیبرال طرفدار نظم حاکم امپریالیستی ظرف یک دهه گذشته لطمات شدیدی به جنبش انقلابی کمونیستی وارد ساخته است. آنها با پائین آوردن چشم انداز و دورنمای جنبش کمونیستی، میدان را به دیدگاهی سپردند، که یا با محکوم کردن قهر انقلابی توده ئی و اعتقاد به پرهیز از خشونت می توان به "دمکراسی برای همه" و ایرانی "دمکراتیک" دست یافت، و یا با عمده کردن یک جانبه خشونت علیه زنان ایران، به طور غیر مستقیم از "پرهیز از خشونت" صحبت می کنند. وجه مشترک دیدگاه سیاسی هر دوی این جریان استادها یا اکادمیسین های "تیزهوش" و پروفیسورهای "محترمتز" و "لایقتر" از کمونیست های انقلابی در این است که هر دو ریشه خشونت اعمال شده در ایران از طرف نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی را از کل نظام سرمایه داری جهانی جدا می کنند. این انحراف به جنبش کمونیستی انقلابی ایران به مدت بیش از یک دهه تحمیل گشته است.

سازمان ها و احزاب منتسب به جنبش کمونیستی ایران، و به خصوص آن دسته که در ایران تریبونال شرکت نموده اند، با دامن زدن به چنان انحرافی جلو ترفیع، اعتلاء و پیشروی جنبش کمونیستی ایران را سالهاست که سد کرده اند. آنها با ترویج نظرات استادان و پروفیسورها در چپ ایران، جلو رشد سیاسی و ایدئولوژیک توده های انقلابی و کمونیستها را گرفته اند. به جای اتکاء به قدرت و آگاهی توده های تحت ستم و استعمار و کمونیستهای انقلابی میدان را به استادها و پروفیسورها داده اند. و توده ها و کمونیستهای انقلابی را با چنان ترویج و ارتقائی از صحنه مبارزه حذف نموده اند!

کمونیستهای انقلابی باید نقادانه به چنان انحرافی برخورد صحیح کنند، و این انحراف را از صفوف خود بزدايند. در پرتو نکات مطرح شده بالا باید به کنکاش برخوردهای غیر متعارف و همچنان عصبی حزب م ل م، پرداخت. جریانی که با سر به درون ایران تریبونال شیرجه رفت و دست از پا درازتر بازگشت. از ابتداء به طور غیر مستقیم مرکز اسناد حقوق بشر ایران، پروفیسور اخوان را ترویج و تبلیغ نمود. و الان در باتلاقی که اخوان و متحدینش برایش ساخته است دست و پا می زند، و هرچه بیشتر تلاش می کند عمق بی اصولی اش روشنتر می شود! آنها اصل تشکیل نیروی سوم و مستقل از قطب ارتجاع "منسوخ" مذهبی و قطب "منسوخ" امپریالیسم جهانی (به رهبری امریکا) را که سالهاست موعظه کرده اند را زیر پا گذاشتند. چشم خود را بر نیروئی که منافع امپریالیسم جهانی (مرکز اسناد حقوق بشر ایران به رهبری پروفیسور پیام اخوان) را در کشاکش بین آن دو قطب ارتجاعی که صحنه نظم جهانی را در برابر حرکت توده های زحمتکش تعیین می کند، بستند. گفتند اشکال ندارد با ورود به ایران تریبونال فعلاً این اصل را زیر پا گذاریم.

ببینیم چگونه اخوان ها برایشان آش شله قلمکاری تهیه دیده بودند که یک من روغن رویش بود. پروفیسور اخوان و کمیسیون حقیقت یابش در لاهه وظیفه رسیدگی به آن جنایات را به جمهوری اسلامی دادند! از کشورهای شورای همکاری اسلامی (دول مرتجع عربی دست نشانده امریکا در جلیج و افریقای شمالی مانند آل سعود) با تشکیل دادن کمیسیون دائمی پیرامون "حکم کارزار" تقاضای رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی

کردند! از دولت ها، نهادهای مدنی و "جامعه جهانی" (یعنی دول امپریالیستی و دول همدست دیکتاتور در سراسر جهان) خواستند که به نقض حقوق بشر در ایران رسیدگی کند!

و حالا همین حزب با چشم بستن به چنان حقیقتی پس از بازگشت خجولانه شان از لاهه به جای پرداختن به حکم "موقتی" کارزار در لاهه، در سایت اینترنتی شان پشت نقد انتقام جویانه، سکتاریستی در مورد هیأت اجرائی راه کارگر سنگر گرفته اند، و مشغول بازی های مجازی شده اند. باز هم سنگر، باز هم شلیک در اینترنت! انتقام این حزب از راه کارگر هیچ ارتباطی با نقد علمی ماتریالیسم دیالکتیک ندارد.

هیأت اجرائی راه کارگر نماینده یک گرایش راست رویزیونیستی در جنبش چپ ایران است. اما کیست که نداند نقد هیأت اجرائی راه کارگر به حزب م ل م دو ماه پیش، قبل از "دادگاه لاهه" و قبل از بیرون آمدن حکمش نوشته شده است! و هدف حزب م ل م با حزب توده خواندن هیأت اجرائی چیزی مگر وقت خریدن برای زد و بند های پنهانی و التماس و دعا کردن از اخوان ها و در عین حال دلگرمی دادن به هواداران و به خصوص آن دسته از هواداران بی تجربه این حزب که فکر می کنند تشکل و سازمان هدف است، و نه وسیله! هوادارانی که به دستور رهبری حزب از انتقادات خویش بر مشی حاکم این حزب در مورد دفاع و تقویت "مشی دادخواهی" کارزار کوتاه آمدند. تا شاید مواضع انحرافی اش را تغییر دهد. فکر کردند نباید به طور علنی به مخالفت با مواضع رهبری حزب پرداخت. این کار را بنا به درخواست رهبری، تضعیف اتوریته حزبی می دانستند! غافل از آن که این خاموشی و کنار گذاشتن جسارت نقد هیچ کمکی به تغییر مواضع رهبری این حزب ننمود.

حزب م ل م برای این که از ریزش درونی جلوگیری کند به خاطر فشار وارد آمده بر خود مجبور شده است که هوادانش را "موظف" نماید که "دانش خود را از مارکسیسم مرتباً بالا برند تا بتوانند در صحنه پیچیده مبارزه طبقاتی فرق مارکسیسم و رویزیونیسم را ببینند و در کنار رویزیونیست ها قرار نگیرند."! این حزب می گوید در کنار استادان چپ سابق و پروفیسور اخوان قرار گرفتند هیچ مهم نیست، ولی نباید به اسنادی که هیأت اجرائی راه کارگر در مورد ارتباط اخوان با امپریالیستهای امریکا و کانادا بیرون داده است، وقعی گذارند! چون هیأت اجرائی توده ئی است! یعنی هواداران موظفند دانش خودشان را از رویزیونیسم هیأت اجرائی راه کارگر از همان رهبری حزب م ل م که خود در مورد ایران تریبونال و دفاعش از اخوان به راه رویزیونیسم در غلتیده است، دریافت کنند! منظور حزب م ل م از "مبارزه" با رویزیونیسم، یعنی اسنادی را که هیأت اجرائی راه کارگر در مورد پیام اخوان بیرون داده است را در میان هوادانش بی اعتبار کند. برای همین این حزب از هوادارانی که با اخوان مرزبندی قاطع دارند و برخی هایشان با ایران تریبونال مرزبندی دارند، می خواهد که از رویزیونیسم هیأت اجرائی فاصله بگیرند، چون مدارکی که در مورد اخوان داده است از جعبه حزب توده و ابر قدرت روسیه بیرون آمده است، پس باید آن اسناد را نادیده بگیرند و فراموش کنند و مبادا به آن اسناد همچون خود رهبری این حزب اتکاء کنند! شتر دیدی ندیدی این حزب در مورد چنان اسنادی بسیار تأسف بار است. در واقع حزب م ل م خط قرمز خویش را یک بار دیگر بر دفاع شرمگینانه خویش از دیدگاه و راهکار امپریالیستی "مرکز اسناد حقوق بشر ایران" زیر سیاست سازشکارانه پرطمطراق مبارزه و مرزبندی با "رویزیونیسم" توده ئی های هیأت اجرائی راه کارگر، تأکید کرده است.

این حزب با چنان دفاع شرمگینانه از پروفیسور پیام اخوان و استادان سابقاً چپ همنظر نزدیک به اخوان، بارها گفته است که سندی دال بر پول گرفتن آقای اخوان از دول امپریالیستی ندیده است! مگر نمی بینید که پیام اخوان پروفیسور حقوق است و نه سرآشپز غذای امپریالیستی در کارزار! پس مدارکی را که هیأت اجرائی در مورد ارتباط

اخوان با دول امپریالیستی بیرون داده است را باید فاقد اعتبار خواند! پیش بسوی انتقام از هیأت اجرائی و دست نوازش کشیدن بر سر اخوان و استادان سابقاً چپ متحد اخوان در کارزار (شکوفه سخی)! حزبی که قرار بود پیشرو پرولتاریا باشد حالا در برابر احکام نهائی دیوان ایران تریبونال سکوت شرمگینانه کرده است. به جای پرداختن به و نقد ریشه ئی حکم پنج گانه دیوان به هیأت اجرائی حمله انتقامجویانه می کند! از اوضاع آنچنان عقب مانده است و ماشین تحلیلیش به خاطر مخلوط شدن آب و روغن موتور، آنچنان به روغن سوزی افتاده است، که فکر می کند کمونیستهای انقلابی دود سیاهی که در هنگام حرکتش از لوله آگزوزش خارج می شود و هستی اجتماعی هواداران و جنبش کمونیستی ایران را دچار مسمویت شدید به آپورتونیسیم نموده است، را نمی بینند!

این حزب با انتخاب آگاهانه اش از سیاست غالب بر ایران تریبونال و پا دادن به استادان و پروفیسورهای دانشگاه، متوهمانه فعلاً تصمیم گرفته است که باید تا بیرون آمدن "حکم نهائی" و "قطعی" تریبونال توسط پروفیسور پیام اخوان، خود را سرگرم بازی های اینترنتی و انتقام گیری کند.

این کار حزب م ل م یعنی "ما" فعلاً برای "فرار رو به جلو" از مخصصه و آبرو ریزی که از بابت احکام اخوانی ۵گانه دادگاه لاهه که در آن گیر کرده ایم، فعلاً به هیأت اجرائی بند می کنیم و از رویزیونیسیم نوع روسی با مارک آبرو باخته توده ئی بر آن زدن، یک معجون را با استفاده از واکسن ضد اسناد ارتباط اخوان و دول امپریالیستی به خورد هواداران می دهیم (واکسنه سیون!). و آنها را علیه آن مدارک واکسنه سیون می نمائیم. و از هواداران می خواهیم تا آینده "نزدیک" منتظر سراب باشند تا ترتیب عوض شدن آن حکم را بدهیم! آفرین بر این حزب پیشرو." ان شاءالله که حتماً گریه است!"

جالب این که حزب م ل م مجبور به انتشار نظر خود با استفاده از شگرد درغپردازی شگرف در «منجلاب اینترنتی» است، ولی همین کار را برای مخالفان ایران تریبونال "ایجاد فضای مسموم و فرهنگ «منجلاب اینترنتی» می داند! عجب!

این حزب با تکرار دروغ گویلی از این رقم که هیأت اجرائی گفته است "ایران تریبونال از مراکز امپریالیستی پول دریافت کرده است" فکر می کند می تواند تا ابد هواداران ناراضی و شکاک خویش نسبت به دفاع شرمگینانه اش از پروژه امپریالیستی "مرکز اسناد حقوق بشر ایران" اخوان را فقط "موظف" به خواندن این سری دروغپردازی در "منجلاب اینترنتی" سایت خود کند! حزب م ل م، از آن وحشت دارد که بالاخره هواداران به پا خیزند و بگویند: دروغ، کتمان و بهتان زدن به مخالفان بس است. این حزب فعلاً نمی خواهد قبول کند که یگانه "گناه" و برخورد "عصبی" عده ای از مخالفان ایران تریبونال از جمله هیأت اجرائی این بود که به مجرد این که فهمیدند پیام اخوانی که قاضی القضاات ایران تریبونال است از مراکز امپریالیستی سالهاست برای ورود "مرکز اسناد حقوق بشر ایران" در بازی کردن در چارچوب منافع امپریالیسم جهانی پول می گیرد، به حس وظیفه کمونیستی و شرافتمندانه دست به کار افشای آن شدند. و عده ای از موافقان و شرکت کنندگان در ایران تریبونال که هستی سیاسی و تشکیلاتی شان را دفاع از ایران تریبونال گذاشته بودند، را از چنان دام پروژه امپریالیستی باخبر نمودند! برخی از جریانات همچون حزب م ل م با انتخاب آگاهانه تصمیم گرفتند که بر آن اسناد خط بطلان کشند! راه خود را از رادیکالیسم انقلابی جدا نمودند، و وارد منجلابی شدند که بیرون آمدن از آن برایشان هزینه سنگینی دارد. مسأله این حزب امروزه به مسأله بودن یا نبودن تبدیل گشته است. گاهی مهره "شاه" پیام اخوان را در صحنه شطرنج خطرناکی که شروع کرده است، عقب و جلو می کند! و گاهی به خاطر تجربه نداشتن در میدان بازی طبقاتی شطرنج می خواهد قوانین بازی را به طور لجوجانه و اراده گریانه زیر پا گذارد و مهره "شاه" اخوان سیاه

رنگ خود را به عنوان هیأت اجرائی راه کارگر معرفی کند! اما واقعیت آن است که در بازی مبارزه طبقاتی شطرنجی که شروع کرده است، به خاطر عدم تجربه و آماتوری بودن، شدیداً کیش شده است! اما هنوز مات نگشته است! و کماکان منتظر نیروی غیبی و کمکی است و امید خود را بر بیرون آمدن "حکم نهائی" دیوان لاهه متفاوت با "حکم موقتی" ارتجاعی لاهه گذاشته است، اما خطر مات شدن را کاملاً احساس می کند! که اخوان و کمیته حقیقت یاب کارزار دوباره با توپ تشر بورژوا محابانه بگوید "تغییر نمی دهیم و اصلاح هم نمی کنیم"! حزب م ل م فعلاً به جای قبول این حقیقت از گزینه انتقام گیری از هیأت اجرائی راه کارگر استفاده می کند و فعلاً سر انتقام دارد. اما تا ابد نمی تواند چنین مسیر رفتن به قهقراء را به پیش برد. موتوری که به روغن سوزی افتاده است احتیاج دارد که بازسازی نوینی شود و موتور نوینی جایگزین آن گردد! واقعیات مبارزه طبقاتی و حقایق مرتبط با "کمیسون حقیقت یاب" کارزار بالاخره همچون پتک محکمی ضربه ای بر سر این حزب وارد خواهد آورد. ولی امیدواریم که این ضربه کاری و مهلک نباشد! امیدواریم که این حزب مسیر خویش را عوض کند و بر ریل جدیدی تغییر مسیر دهد. این تنها با انتقاد رادیکال و ریشه ئی مسیر فعلی که در آن می راند میسر است، و با سیاست بازی غیر مارکسیستی که فعلاً این حزب پیش گرفته است، امکان چنان امری وجود ندارد.

مشکل حزب م ل م تنها دفاعش از ایران تریبونال نیست، بلکه فراتر از آن، دفاع غیر مستقیمش از پروژه امپریالیستی پیام اخوان و "کمیسون حقیقت یاب" است!

این حزب عنقریب به دروغ دیگری متصل شده است که گویا "حضور عده ای از منسوبین به خانواده های شهدای اتحادیه کمونیستهای ایران در این دادگاه اساساً به ابتکار شخصی خودشان بود و حزب (م ل م) هم مخالفتی با آن نداشت. به یک کلام، حزب (م ل م) در هیچ مقطعی از تشکیل و تکامل کارزار ایران تریبونال در آن شرکت نداشته و در زحمات و خدماتش سهمی برعهده نداشته است. با این وصف خود را موظف دانست که در مقابل حملات نارقیقانه به کارزار ایران تریبونال و جواب های ناروایی که از درون ایران تریبونال به مخالفان داده شد، موضع گیری کند."

موضع گیری این حزب در رد "جواب های ناروایی که از درون ایران تریبونال به مخالفان داده شد" یک ادعای کاذب است. و مخالفان اصولی ایران تریبونال در هیچ مقطعی چنین "دفاعی" را ندیده اند!

مخالفان کارزار به آن چنان "دفاعی" از طرف این حزب هیچ احتیاجی ندارند. دوستان حزب م ل م لطفاً خود را به منتقدین اصولی کارزار نجسبائید. با هزاران کیلو چسب محکم این جسبیدن کارائی ندارد. منتقدین هر چه دیده اند دفاع محکم و تقویت ایران تریبونال و دفاع شرمگینانه از "اسناد حقوق بشر ایران" از طرف حزب م ل م بوده است. منتقدین دیده اند و درک کرده اند که شما در کنار "مرکز اسناد حقوق بشر ایران"، "حزب کمونیست کارگری ایران"، حزب اتحاد کمونیست کارگری (که به تازگی با عده ای از منشعبین از "حزب حکمتیست" وحدت نموده اند)، سازمان مجاهدین و عوامل جاسوس امپریالیست و سازمان اقلیت، بدون مرزبندی با دیدگاه سیاسی فرمیستی و ضد انقلابی آنها، در کارزار شرکت کرده اید. لطفاً مرز خود را با دیدگاه های این جریانات فرمیسم ضد انقلابی و رویزیونیسم برای جنبش انقلابی کمونیستی ایران روشن کنید! و روشن کنید اختلاف دیدگاه حزب م ل م با آن جریانات مهلک و مسموم به آپوتونیسم رویزیونیستی بر سر سیاست شرکت در ایرن تریبونال چیست!

ما از این حزب می خواهیم که لطفاً از چنین ادعاهای کاذبی (رد "جواب های ناروایی که از درون ایران تریبونال به مخالفین داده شد"! ) برای وسوسه کردن مخالفان کمونیست انقلابی و رادیکال ایران تریبونال دست بردارد. اعتبار و شرافت سیاسی ما را با چنان ادعای ناروا و کذبی به زیر سؤال نبرد. و به جای آن به بازبینی ریشه ئی کارکرد و

مشی انحرافی اش در قبال کارزار و برخوردهای ناروا به منتقدین خویش و ایران تریبونال ظرف یک سال گذشته پردازد. تا زمانی که چنان نکرديد و مسیر خود را تغییر نداده اید، اصلاً نمی توان چنین ادعای شما را جدی گرفت. مشکل این حزب این است که با بیرون آمدن گند "حکم موقت" ارتجاعی دادگاه لاهه، فوراً وقت را غیمنت شمرده است که با زنده کردن یاد حزب توده و ارتباط رویزیونسیم روسی با هیأت اجرائی، خیلی آهسته و بدون سرو صدا از صحنه "تقویت" و دفاع از ایران تریبونال خارج شود. به قول دوستان بی سرو صدا فلنگ را ببندد و در لابه لای "نقد" انتقام جویانه اش از هیأت اجرائی راه کارگر، مجبور به این اعلام موضع شود که "حضور عده ای از منسوبین به خانواده های شهدای اتحادیه کمونیستهای ایران در این دادگاه اساساً به ابتکار شخصی خودشان بود و حزب (م ل م) هم مخالفتی با آن نداشت." جالب است که در این مورد هم خیلی سعی می کند که موضعی بگیرد که نه سیخ بسوزد و نه کباب! نه "منسوبین" حرف شنو و جان برکفش را ناراحت کند و هم از مسؤولیت شرکت سیاسی و تشکیلاتی خود در کارزار برای "تقویت" آن شانه خالی کند!

آنوقت این حزب باید بگوید اگر واقعا در کارزار ایران تریبونال دخالت و شرکت سیاسی و تشکیلاتی نداشته است، و "حضور عده ای از منسوبین به خانواده های شهدای اتحادیه کمونیستهای ایران" فقط با ابتکار شخصی و نه با برنامه و تحت برنامه این حزب صورت گرفته است، چگونه می شود که در مرحله دوم در لاهه، حضور نوال محسن، همسر رفیق جانباخته حسین تاجمیر ریاحی، بدون تأیید و مشارکت سیاسی این حزب برای شهادت دادن، فراهم شده باشد؟ در این مورد چه ادعای کذبی را حاضر نموده اید که به اطلاع عموم برسانید!

حزب م ل م باید پاسخ دهد که ارتباطش با فراهم کردن شرکت وکیل مترقی امریکائی خانم مارگارت کنستلر دختر ویلیام کنستلر (وکیل مترقی و رادیکال دهه ۶۰ و ۷۰ در امریکا) در دادگاه لاهه چیست؟ اگر واقعاً همانگونه که حزب م ل م ادعا می کند که هیچ دخالتی به لحاظ سیاسی و تشکیلاتی در پیشبرد کارزار ایران تریبونال از آغاز تا کنون نداشته است، چرا چنین وکیلی را به شرکت در کارزار ایران تریبونال دعوت کرده است؟

دوستان! شما مشروعیت خود را به عنوان یک حزب "جدی پیشرو" با شرکت در این کارزار، ادعاهای کذب، دفاع شرمگینانه تان از پیام اخوان و "کمیسیون حقیقت یاب" به عنوان جریانی که اهداف امپریالیسم جهانی را در این دادخواهی در تقابل با جمهوری اسلامی به مرحله اجراء می گذارند، تا حد زیادی از دست داده اید! حداقل شجاع باشید و نسبت به شرکت سیاسی و تشکیلاتی تان در کارزار مسؤولیت به عهده بگیرید. در غیر اینصورت هیچ گزینه دیگری در جلو شما قرار ندارد.

بدترین قسمت این ماجرا آنجاست که معلوم نیست فرجام بدترین پرده نهائی این ماجرا کجاست! اما مسلم این است که پیام اخوان توپ را به میدان "کارزار" و تشکیلات هائی که در ایران تریبونال شرکت سیاسی و تشکیلاتی کرده اند، انداخته است! و حزب م ل م سرانجام در زمانی مشخص و نه چندان دور، باید آگاهانه تصمیم بگیرد که آیا از این "روند دادخواهی" کماکان دفاع می کنند و همچنان می خواهد آن را "تقویت" کنند یا نه! کامران کارگر.

سرنگون باد نظام امپریالیسم جهانی و حکومت جمهوری اسلامی  
برقرار باد سوسیالیسم و حکومت کارگری

۲۰۱۲-۱۲-۱۲

پاورقی

۱- برای آشنائی با نظرات "پرهیز از خشونت" خانم شکوفه سخی به نوشته "آزادی از پرچم/ شکوفه سخی" مراجعه کنید:

ایشان معتقدند، " این وظیفه اخلاقی و تاریخی تمام ایرانیان مقیم خارج از کشور است که از بازتولید فرهنگ خشونت و خفقان، فرهنگ تک صدائی جلوگیری کنیم، آن را آگاهانه نقد کنیم و به چالش بکشیم."

<http://www.shahrvand.com/archives/3813>

۲۶ آذر ۱۳۹۱ ۱۲:۳۸